

آتش زیر خاکستر

ترجمه و تلخیص: سهیلا زمانی



برای امضای آتش‌بس و توافقنامه‌ای به منظور ایجاد نیروهای حافظ صلح سه‌جانبه با یکدیگر دیدار کردند و سرانجام اوستیای جنوبی در سال ۱۹۹۳ قانون اساسی خود را ارایه کرد.

در سال ۱۹۹۴، بر اساس توافق آتش‌بسی نه چندان مستحکم، نیروهای حافظ صلح روسیه در آبخازیا مستقر شده و نیروهای روسیه نیز فرماندهی نیروهای حافظ صلح مشترک در اوستیای جنوبی را برعهده گرفتند.

مردم اوستیای جنوبی در دسامبر ۲۰۰۱، "ادوارد کوکوتیه"، قهرمان سابق کشتی را در انتخاباتی غیر رسمی به عنوان رئیس‌جمهوری خود انتخاب کردند.

با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین به عنوان رئیس‌جمهوری جدید روسیه در سال ۲۰۰۰، وی از اتباع گرجستان برخلاف دیگر کشورها، برای ورود به خاک روسیه، درخواست ویزا کرد و در سال ۲۰۰۲ پس از وارد ساختن اتهام به گرجستان مبنی بر پناه دادن شبه‌نظامیان چچنی، روسیه ترتیب حمله‌ای هوایی در منطقه "پانکیسی جرج" در خاک گرجستان را داد.

البته روسیه این حمله هوایی را که منجر به کشته شدن یک نفر شد، رد کرد.

پس از آن در سال ۲۰۰۳ "انقلاب مخملین" باعث برکنار شدن "ادوارد شوارنادزه"، رئیس‌جمهوری گرجستان، و روی کار آمدن "میخائیل ساکاشویلی" در سال ۲۰۰۴ شد.

وی به سرعت در این کشور سیاست طرفداری از غرب را با هدف عضویت در ناتو و اصلاحات اقتصادی و دولتی در پیش گرفت.

ساکاشویلی همچنین اعلام کرد هدفش بازگرداندن مناطق جدایی‌طلب در منطقه قفقاز به گرجستان است.

در سال ۲۰۰۵، با رگم افزایش تنش‌ها با دولت ساکاشویلی، مسکو با خروج پایگاه‌های نظامی دوران شوروی سابق از قلمرو

استقلال رسید.

پس از آن، در سال ۱۹۹۲ گروه‌های مختلف اقلیت قومی در استان‌های اوستیای جنوبی و آبخازیا به جنگ‌های جدایی طلبانه پرداختند تا از دولت گرجستان جدا شوند که این امر به کشته شدن هزاران نفر منجر شد.

هر دو منطقه از حمایت مالی و سیاسی روسیه برخوردار بودند، اما توسط هیچ دولت خارجی به رسمیت شناخته نمی‌شدند و همچنان به عنوان بخشی از قلمروی گرجستان محسوب می‌شدند.

در زمان اتحاد جماهیر شوروی، اوستیای جنوبی استانی خودمختار در ترکیب گرجستان بود. در سال ۱۹۹۱ "ازویاد گامساخوردیا"، نخستین رئیس‌جمهوری گرجستان، خودمختاری اوستیای جنوبی را کاهش داد.

مقامات اوستیا که با این تصمیم موافق نبودند، مقاومت مسلحانه نشان دادند و پس از درگیری‌های پراکنده‌ی مسلحانه که تا سال ۱۹۹۲ ادامه داشت، گرجستان کنترل این منطقه را از دست داد.

در سال ۱۹۹۲، مردم اوستیای جنوبی در همه‌پرسی شرکت کرده و به نفع استقلال این منطقه رای دادند. در همان سال، جمعا حدود ۱۰۰ نفر از مردم اوستیای جنوبی به دلیل ناآرامی‌های پراکنده کشته شدند تا این که در ژوئن ۱۹۹۲ سران روسیه، گرجستان و اوستیای جنوبی

سرانجام آتش زیر خاکستر در منطقه قفقاز بار دیگر شعله‌ور شد و دامان گرجستان، اوستیای جنوبی و روسیه را گرفت.

روزنامه آلمانی «دی‌ولت» در تحلیلی کوتاه در این زمینه چنین می‌گوید: در حالی که تنها حدود ۱۰۰ روز از دوران ریاست جمهوری دیمتری مدودوف، رئیس‌جمهوری روسیه می‌گذرد، وی با اولین چالش سیاسی خود روبه‌رو شد، چالشی که آبرو و اعتبار دیپلماتیک روسیه را به شدت زیر سوال برد.

با آن که دیمتری مدودوف، رئیس‌جمهوری تازه منصوب شده روسیه به شمار می‌رود، با این حال، تحول اخیر نشان داد که هنوز هم ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر این کشور، فرد شماره‌ی یک در روسیه به حساب می‌آید. در شرایط فعلی، مدودوف باید بیش از پیش تلاش خود را برای از بین بردن وجهه‌ی خود به عنوان فردی ناتوان به کار گیرد، چرا که جنگ قفقاز باعث نشان دادن این واقعیت شد که مردی که تاکنون به عنوان اصلاح‌گر در بالاترین جایگاه سیاسی روسیه واقع شده، بازنده‌ای بیش نبوده است!!

نگاهی کوتاه به درگیری‌های موجود در این منطقه از ابتدا تاکنون، شاید گوشه‌ای از دلایل جنگ فعلی را آشکار سازد.

نیروهای گرجستان صبح روز جمعه هشتم اوت (۱۸ مرداد) در حمله‌ای همه‌جانبه به منطقه‌ی استقلال طلب اوستیای جنوبی یورش بردند که می‌توان گفت این حمله، نتیجه‌ی حدود سه قرن تنش میان روسیه و گرجستان و مناطق جدایی‌طلب بوده است.

گرجستان که در قرن ۱۹ میلادی جزئی از امپراطوری روسیه شده بود و سپس در قرن ۲۰ میلادی توسط بلشویک‌های شوروی پس گرفته شد، در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، به





و کنترل مسیرهایی است که نفت و گاز قفقاز و آسیای مرکزی را به غرب منتقل می‌کند.

از این منظر، گرجستان اهمیت و نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. مسیر سمت جنوب به‌خاطر بحران‌های ایران، افغانستان و پاکستان بسته است. تنها مسیری که تحت کنترل روسیه نیست، مسیری است که از آذربایجان به سمت گرجستان تا سواحل ترکیه امتداد دارد و این، دقیقاً همان چیزی است که امروز به اختلاف میان روسیه و گرجستان ابعاد تازه‌ای می‌دهد. در این‌جا، مساله برسر رقابت روسیه و آمریکا و کنترل بلندمدت منابع نفت و گاز در این منطقه‌ی وسیع است. علاوه بر آن، امروز برخلاف سال‌های دهه ۹۰، در حل بسیاری از معضلات مانند خاورمیانه، افغانستان، کنترل تسلیحاتی، تامین انرژی و مساله محیط زیست، نیاز به روسیه الزامی است.

تحلیل خبرگزاری‌ها بر آن است که میخائیل ساکاشویلی، به تنهایی قادر به غلبه بر چالش‌های موجود نیست و اروپا خود، دست به تضعیف خود زده است. همگی این واقعیات و فاکتورها تشکیل‌دهنده‌ی ساختار قدرت تازه روسیه‌اند. با در نظر گرفتن این وضعیت و تناسب قوا، باید پرسید به راستی چه چیزی رییس جمهوری گرجستان را به فکر عملیات نظامی که در نهایت خود بازنده‌ی آن است واداشت؟ تنها پاسخ نسبتاً معقولی که برای این سوال می‌توان یافت، این است که ساکاشویلی می‌خواست پیش از پایان ریاست جمهوری بوش، به اختلاف با روسیه بعد جهانی دهد و با کشیدن پای آمریکا به این درگیری، مناقشه با روسیه را به سود گرجستان تمام کند!!

به هر حال، چنین به نظر می‌رسد که روسیه با تهاجم گسترده خود قصد دارد اقتدار خود را به کشورهای متحد غرب و آمریکا نشان دهد. از سوی دیگر این امر باعث خواهد شد تا ناتو بر نفوذ و گسترش خود در منطقه‌ی آسیای میانه و قفقاز بیفزاید و علی‌رغم مخالفت‌های شدید روسیه از این گسترش، دلیل حضور خود را توجیه‌پذیر کند و به اهداف بلندمدت خود دست یابد.

منطقه آستان تحولات خطرناکی است؛ باید منتظر بود و به آینده چشم دوخت.

روسیه، به نگرانی اروپا از تداوم مناقشات نظامی در منطقه هشدار داد و خواستار توقف حملات نظامی دو طرف شد. از سوی دیگر، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، هم در واکنش به افزایش درگیری‌های نظامی در اوستیا از روسیه خواست تا به تمامیت ارضی گرجستان احترام گذاشته و نیروهای نظامی خود را از منطقه مورد مناقشه خارج کند.

این در حالی است که بسیاری از کارشناسان مسایل سیاسی منطقه بر این اعتقادند که در حال حاضر، روسیه درصدد تحکیم قدرت خود در این منطقه است. از طرف دیگر، رهبران گرجستان سیاست بین‌المللی کردن اختلاف با روسیه را در دوران ریاست جمهوری بوش دنبال می‌کنند. تحلیل یوشکا فیشر، وزیر خارجه سابق آلمان نیز در این زمینه چنین است:

در منطقه قفقاز، جنگی تمام‌عیار میان دو کشور مستقل شعله‌ور شده است. اما این نخستین بار نیست که در این منطقه چنین جنگی درمی‌گیرد. پیش از این و بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ میان دو کشور ارمنستان و آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ جنگی درگرفت که در نهایت به پیروزی ارمنستان منجر شد.

در پی این جنگ، ارمنستان بخشی از خاک آذربایجان را اشغال کرد که تا امروز در تصرف خود دارد. اما آن چیزی که این جنگ را از جنگ ارمنستان و آذربایجان متمایز می‌کند، آن است که این‌بار روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ علیه کشور همسایه خود دست به چنین جنگی زده است. در واقع، روسیه از اختلافات متعدد منطقه قفقاز به سود مقاصد قدرت‌طلبانه خود بهره می‌جوید.

همچنین، روسیه امروز به دلیل بالا رفتن بهای نفت و گاز و نیز رشد اقتصاد کشور، خود را در موقعیت برتری نسبت به سابق حس می‌کند و سعی دارد قدرت سابقش را در قفقاز جنوبی از نو برقرار کند. از جمله اهداف کرملین آن است که از گسترش ناتو به سمت شرق جلوگیری کند و مانع از دست رفتن نفوذ خود در منطقه شود. اما قدرت تازه‌ی روسیه صرفاً محدود به منابع نفت و گاز نیست، بلکه این قدرت با حدت و شدت بیشتری ناشی از تسلط

گرجستان تا پایان سال ۲۰۰۸ موافقت کرد. اما در سال ۲۰۰۶، گرجستان پس از انفجار لوله اصلی صدور گاز در روسیه، به مدت کوتاهی از داشتن گاز وارداتی مسکو محروم شد و البته عاملان پشت‌پرده‌ی این انفجار که باعث تخریب یکی از لوله‌های اصلی صادرات گاز روسیه شد، هرگز مشخص نشدند. این در حالی است که ادوارد شوارنادزه، رییس‌جمهوری پیشین گرجستان، و گرهارد شرودر، صدراعظم پیشین آلمان، در اظهارنظرهای جداگانه‌ای، میخائیل ساکاشویلی، رییس‌جمهوری فعلی گرجستان را در گسترش بحران و آغاز درگیری‌های اخیر در قفقاز مقصر می‌دانند.

ساکاشویلی در روزهای اخیر، همزمان با حملاتش علیه مقام‌های روسیه، کشورهای غربی، به ویژه اتحادیه اروپا را نیز به شدت مورد انتقاد قرار داده است. ساکاشویلی می‌گوید: کشورهای اروپایی با عدم پذیرش کشورش به عضویت در ناتو، به طور غیرمستقیم روسیه را تشویق کردند که به گرجستان دست‌اندازی کند.

این در حالی است که ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر فعلی روسیه، بار دیگر به هر گونه امکان عضویت گرجستان در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) هشدار داد.

به عقیده پوتین عضویت تغلیس در ناتو، پای دیگر کشورهای این اتحادیه را نیز به درگیری‌های خونین اخیر خواهد کشاند.

گزارش اینترفاکس در این زمینه حاکی است که پوتین روز شنبه به طور غیرمنتظره از پکن وارد قفقاز شمالی شد.

پوتین ۵۵ ساله با انتقاد از هر گونه پذیرش عضویت گرجستان در ناتو گفت: در شرایط فعلی، کاملاً آشکار است که عضویت گرجستان در ناتو به ضرر امنیت بین‌المللی تمام خواهد شد.

پوتین با موجه و حقوقی خواندن حمله نظامی روسیه علیه گرجستان گفت: گرجستان با اقدام خود علیه اوستیای جنوبی، تمامیت ارضی خود را به خطر انداخت.

به عقیده پوتین، اقدام گرجستان در حکم یک نسل‌کشی است و بعید به نظر می‌رسد که بعد از این، اوستیای جنوبی دیگر خواهان ماندن در کنار گرجستان باشد.

پوتین تاکید کرد که روسیه هیچ جنگی با ملت گرجستان ندارد. بسیاری از روس‌ها و گرجی‌ها دارای روابط دوستانه و خویشاندوی هستند.

افزایش تنش‌ها در اوستیای جنوبی در حالی است که بیش از ۸۵ رهبر جهان برای حضور در مراسم افتتاحیه المپیک پکن در چین به سر می‌برند.

به موازات افزایش تنش‌های نظامی در منطقه، تماس‌های تلفنی و دیپلماتیک میان سران و مقام‌های نظامی و سیاسی مختلف برای متوقف ساختن درگیری‌های نظامی ادامه یافت.

خاویر سولانا، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در تماس تلفنی با سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه